



# شہید سید مصطفیٰ کاظمی

استاد شہید سید مصطفیٰ کاظمی، یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در تاریخ معاصر افغانستان است که به دلیل تلاش‌هایش برای وحدت ملی، توسعه کشور و مبارزه با فساد، همواره در یاد مردم افغانستان خواهد ماند.



بنیاد رسانه‌ای معمار  
WWW.MEMAR.PRESS

سیاستمدار و حدت طلب و عدالت خواه، قربانی فساد

امیدهای واهی به ترامپ یا فرار از مسئولیت تاریخی؟

تشکیل دولت فرآگیر، کلید صلح و همپستگی در افغانستان



## نگاه طالبان و سیاسیون افغانستان به پیروزی ترامپ در انتخابات امریکا

روز گذشته دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا در مقابل رقیب دموکرات خود کاملاً هریس، به پیروزی دست یافت. همانند سایر اتفاقات بحث برانگیز دیگر، پیروزی ترامپ هم با واکنش‌های گوناگون مقامات و سیاسیون افغانستان مواجه شد. وزارت خارجه طالبان پس از موفقیت ترامپ، نسبت به «فصل جدید» در مناسبات کابل-واشنگتن ابراز امیدواری کرد و افزود که حکومت آینده این کشور «گام‌های واقع بینانه» برای تقویت مناسبات بردارد. در اعلامیه وزارت خارجه طالبان که نوشت روز گذشته (چهارشنبه، ۱۶ عقرب) نشر شد، آمده است: «اداره آینده امریکا گام‌های واقع بینانه بردارد تا در مناسبات دو کشور پیشرفت ملموس ایجاد شود و دو کشور بتوانند در روشنایی تعامل متقابل فصل جدیدی در



## عوامل روز افزون مهاجرت از افغانستان

بر اساس آمار منتشر شده توسط کمیسariای عالی پناهندگان سازمان ملل متعدد، تعداد آوارگان اجباری در جهان به رقمی بی سابقه رسیده است. این سازمان اعلام کرده که در سال جاری میلادی بیش از ۱۲۲ میلیون نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. بر اساس گزارش‌های اخیر کمیسariای عالی پناهندگان سازمان ملل متعدد، افغانستان و سوریه همچنان در صدر کشورهای با بیشترین تعداد پناهجو در جهان قرار دارند. مهاجرت مردم افغانستان بهویژه در دوران طالبان به یک پدیده فرآگیر تبدیل شده است که ناشی از ترکیبی از عوامل پیچیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. پس از تصرف دوباره افغانستان توسط طالبان در سال ۲۰۲۱، شمار زیادی از مردم به دنبال یافتن امنیت و فرصت‌های بهتر، کشور را ترک کرده‌اند. این بحران مهاجرت نه تنها بر زندگی افرادی که مجبور به ترک وطن شده‌اند تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای عمیقی برای افغانستان و جامعه



یادداشت

## تشکیل دولت فراغیر، کلید صلح و همبستگی در افغانستان

نصیراحمد فایق، نماینده دائم افغانستان در سازمان ملل، در نشست اخیر کمیته سوم این سازمان، بر ضرورت تشکیل یک دولت فراغیر در افغانستان تأکید کرد و آن را راه حلی اساسی برای بحران پناهجویان افغان دانست. او با ابراز نگرانی از وضعیت ناگوار میلیون‌ها افغان که به دلیل ناامنی، خشونت و نقض حقوق بشر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند، تصريح کرد که تنها راه حل پایدار برای این بحران، ایجاد یک دولت فراغیر و پاسخگو در افغانستان است.

تشکیل دولت فراغیر در افغانستان از ضروریات بنیادین برای آینده کشور و مردم ما به شمار می‌آید. پس از سال‌ها جنگ و ناپایداری، افغانستان نیازمند یک ساختار سیاسی است که نماینده ای اقتعی تمامی اقوام و گروه‌های اجتماعی باشد و بتواند به آرمان

های انسانی و ملی پاسخ دهد.

یک دولت فراغیر می‌تواند با کاهش تنش‌ها و درگیری‌های داخلی، ثبات سیاسی را در کشور برقرار کند. این ثبات نه تنها برای رشد و توسعه اقتصادی حیاتی است، بلکه می‌تواند احساس امنیت و آرامش را در زندگی روزمره مردم تقویت کند. افزون بر این، یک دولت جامع و همه‌جانبه می‌تواند به بهبود وضعیت حقوق بشر کمک کند و به ویژه از حقوق زنان و گروه‌های اقلیت که در گذشته تحت فشار بوده‌اند، حمایت کند. ایجاد همبستگی و وفاق ملی نیز از دیگر دستاوردهای چنین دولتی است که می‌تواند اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی را افزایش دهد. اما عدم تشکیل یک دولت فراغیر می‌تواند پیامدهای وخیمی به همراه داشته باشد. در غیاب چنین دولتی، تنش‌ها و درگیری‌های قومی و مذهبی افزایش می‌یابد و امنیت داخلی کشور به خطر می‌افتد.

### آیا زمان تحصیل و کار زنان افغانستان فرا نرسیده است؟

این وضعیت بر زندگی روزمره مردم تأثیرات منفی خواهد گذاشت و می‌تواند به فرسایش بنیادهای اجتماعی منجر شود. همچنین، نبود ثبات و یک حکومت کارآمد، بیکاری و فقر را در کشور تشدید خواهد کرد. در شرایط کنونی، بسیاری از مردم به دنبال فرصت‌های شغلی و معیشتی هستند و بی‌توجهی به این مسئله بحران اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند.

علاوه بر این، در نبود یک دولت فراغیر و پاسخگو، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به خطر می‌افتد و گروه‌های حاکم ممکن است به راحتی از قدرت خود سوءاستفاده کنند و حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر را نادیده بگیرند. این وضعیت می‌تواند به فرار مغزاها منجر شود؛ جوانان و متخصصان به دلیل عدم امنیت و فرصت‌های شغلی مناسب ممکن است کشور را ترک کنند، که این امر به ضعف اقتصادی و اجتماعی افغانستان خواهد انجامید.

بنابر این تشکیل دولت فراغیر در افغانستان نه تنها یک ضرورت سیاسی، بلکه یک نیاز حیاتی برای بهبود شرایط زندگی و اجتماعی مردم است. با ایجاد یک ساختار سیاسی جامع و شفاف، می‌توان به سمت آینده‌ای روش تضمین نماید؛ و غفلت از این مسئله می‌تواند عاقب جبران ناپذیری برای کشور و ملت ما به همراه داشته باشد.

یادداشت



## سیاستمدار وحدت طلب و عدالت خواه قربانی فساد و تعصبات

شهید مصطفی کاظمی، یکی از سیاستمداران متعهد و فرهیخته کشور ما افغانستان بود که با آرمان بزرگ وحدت و همبستگی ملی میان اقوام گوناگون این سرزمین قدم به میدان گذاشت و تا پایان عمر کوتاه‌اما پرپارش برای تحقق این آرمان تلاش کرد. او با تکیه بر اصول اخلاقی و عشق به مردم، در زمرة آن دسته از سیاستمداران قرار گرفت که همواره در اندیشه رفع دردهای مردم و توسعه کشورشان بودند. بانگاهی به زندگی و مبارزات او، درمی‌یابیم که نام مصطفی کاظمی تهیای یک نام نیست، بلکه نمادی از یک مسیر فدکاری، مبارزه با فساد، و تلاش برای آینده‌ای بهتر برای تمام باشندگان است.

در دهه‌های اخیر افغانستان به دلیل جنگ‌های داخلی و اختلافات قومی که با مشکلاتی عمیق دست و پنجه نرم کرده بود و مردم کشور ما همچنان دچار چالش‌های گوناگونی به سر می‌بردند، شهید کاظمی، با درک عمیق از این وضعیت، حزب اقتدار را بنیان‌گذاری کرد و از همان آغاز تأسیس این حزب، به اتحاد و همبستگی میان اقوام مختلف تأکید داشت. وی اعتقاد داشت که تنها راه پیشرفت و خروج از بحران، ایجاد یک جبهه متحده از تمام اقوام افغانستان است که به عنوان صدایی یکپارچه، از منافع ملی کشورشان حمایت کنند. حزب اقتدار ملی، در واقع تجلی ایده‌های وحدت‌طلبانه و نگرش ملی گرایانه کاظمی بود که تلاش می‌کرد افغانستانی متحده و قدرتمند را به ارمغان آورد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید مصطفی کاظمی، توجه عمیق او به مقوله وحدت ملی بود، وی با تمام وجود باور داشت که تنها از طریق همکاری و همکاری می‌توان بر بحران‌های پیچیده کشور چیره شد. به عنوان نماینده‌ای در پارلمان و رئیس کمیسیون اقتصادی ملی، او توانست به گونه‌ای منحصر به فرد به تحلیل وضعیت اقتصادی کشور پردازد و برای حل مشکلات آن برنامه‌ریزی کند. برخلاف بسیاری از سیاستمداران، او هرگز نظرات و پیشنهادات خود را به صورت تئوری رهانمی کرد، بلکه با پاپشاری و تلاش خستگی‌ناپذیر در پی اجرای عملی آن‌ها بود. شهید کاظمی به عنوان یک سیاستمدار دلسوز، با درک اینکه اقتصاد ضعیف و فقر نیز می‌تواند به بستر ناامنی و تفرقه در کشور دامن بزند، همواره به بهبود وضعیت اقتصادی مردم و تأمین نیازهای اساسی آن‌ها توجه ویژه‌ای داشت.

یکی از جلوه‌های بارز شخصیت شهید کاظمی، مبارزه‌ای امن اواز امنیت نیازهای اساسی مردم، از جمله امنیت غذایی، رفاه عمومی و معیشت بهتر بود. او آزوی بزرگ در سر داشت: اینکه همه مردم افغانستان بتوانند با آسودگی به تأمین نیازهای اولیه خود پردازند و از امنیت غذایی و بهبود سطح زندگی برخوردار شوند. این خواسته نشان از عشق و تهمدی عمیق به وطن و مردم بود؛ خواسته‌ای که با جان و دل به آن باور داشت و در جهت تحقیقش کوشید، چنانچه جمله معروف اش این بود که: «**تغییر باید در دست‌خوان های مردم ایجاد گردد**» ناپاکشان بود با وجود تلاش‌های فراوان برای پیشرفت و وحدت، سرانجام، شهید کاظمی توسط کسانی که نمی‌توانستند نور اتحاد و پیشرفت کشور را تحمل کنند، ناجوانمردانه او را با برنامه‌ریزی در یک حادثه تروریستی به شهادت رساندند. این اقدام تروریستی که با برنامه‌ریزی و اجرای مشترک دشمنان داخلی و خارجی صورت گرفت، به این دلیل بود که هر دو جناح از شهادت شهید کاظمی نفع می‌برند. دشمنان خارجی، به‌ویژه امریکا و انگلیس، هر سیاستمداری را که حاضر به همکاری در طرح‌های وطن‌فروشانه آنها نبود، از سر راه برمی‌داشتند. **شهید کاظمی به دلیل استقلال رأی و مخالفتش با دخالت‌های خارجی، مانع بر سر راه برنامه‌های سیاسی آنان محسوب می‌شد.**

از سوی دیگر، دشمنان داخلی نیز از شهادت او بهره‌برداری کردند، زیرا حضور کاظمی مانع در برابر فسادهای اقتصادی آن‌ها بود. شهید کاظمی با پایاندنی به عدالت و مبارزه با فساد، اجازه نمی‌داد که برخی افراد از موقعیت‌های ایشان برای منافع شخصی استفاده کنند و منابع اقتصادی کشور را به طور غیرقانونی به دست آورند. بدین ترتیب، برای هر دو جناح، چه ای بزرگ و جانکاه برای مردم و کشور بود، شهادت او، زخمی عمیق بر پیکر کشور و مردم بهجا گذاشت و موجی از اندوه و تأسف را در دل‌ها و جدان‌های آگاه و پاک ایجاد کرد.

شهادت وی، نه تنها نمادی از بی‌عدالتی و خیانت به ملت افغانستان بود، بلکه زنگ خطری برای تمام مسئولان و سیاستمداران کشور شد تا در برابر چالش‌ها و موانع پیش‌رو، با تعهد و شجاعت بیشتری بایستند و از راه و آرمان‌های شهید کاظمی پیروی کنند.

زنگی و مبارزات شهید مصطفی کاظمی گواه روش و صادقی از تعهد به وطن و مردم است؛ او با بینشی وسیع و قلبی مملو از عشق به میهن، در تلاش برای اتحاد و همبستگی ملی و بهبود شرایط معیشتی مردم کوشید. شهید کاظمی الگویی جاودان از سیاستمداری پاک، مردم‌دوست و صادق را برای نسل کنونی و نسل‌های آینده به یادگار گذاشت. شهادت او، هر چند ضایعه‌ای سنتگین برای مردم افغانستان بود، اما آرمان‌ها و اهدافش زنده و الهام‌بخش باقی ماند. او به ما آموخت که وحدت و عدالت، پایه‌های اصلی ساختن آینده‌ای روش برای افغانستان است.

بررسی و تحلیل

بررسی و تحلیل

# امیدهای واہی به ترامپ یا فرار از مسئولیت تاریخی؟

عمل می‌کند و نه براساس مصلحت و منافع مردم افغانستان. سیاستمداران دوره جمهوریت که اکنون به ترامپ و امریکا چشم امید دارند؛ چرا در زمانی که قدرت را در اختیار داشتند، از فرصت‌ها استفاده نکردند تا یک ارتش منسجم و قادرمند بسازند و وحدت ملی را تقویت کنند؟

چرا سیاستمداران دوره جمهوریت نتوانستند زمینه‌ای برای مشارکت جوانان از اقوام مختلف در دولت فراهم سازند و به جای رقابت‌های مخرب سیاسی، برای آینده کشور برنامه ریزی کنند و از جوانان کشور یک کادر قوی سیاسی از قوام مختلف آماده سازند؟

اکنون، این انتظار از امریکا و ترامپ که بار دیگر اوضاع افغانستان را بهبود بخشند، نشانی از یک نگاه ناکام و شکست خورده است.

پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا موجی از واکنش‌ها را در میان مقامات طالبان و سیاسیون افغانستان به دنبال داشت. از یک سو، طالبان که در دوره قبلی ریاست جمهوری ترامپ توانست با امریکا به توافقنامه دوچه دست یابد، اکنون امیدوار است که با بازگشت ترامپ، فصلی تازه از مناسبات کابل-واشنگتن شکل بگیرد. از سوی دیگر، برخی سیاسیون افغانستانی، به خصوص کسانی که در دوران جمهوری قدرت داشتند، به طور ضمنی به این باور هستند که ترامپ شاید بتواند سیاست‌های سختگیرانه تری علیه طالبان اتخاذ کند و به نوعی فضای بهتری برای مقاومت سیاسی و نظامی در برابر این گروه فراهم سازد. با این حال، در این میان نکته‌ای مهم و بنیادین وجود دارد: آیا ترامپ (امریکا) منحی واقعی افغانستان هست؟ یا همانطور که تجربه تاریخی نشان داده، واشنگتن همواره براساس منافع ملی خود و نه منافع ملت افغانستان عمل کرده است؟

امریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ، با امضای توافقنامه دوچه عملاً زمینه خروج نیروهای نظامی خود را از افغانستان فراهم کرد و در عمل دولت پیشین افغانستان را تضعیف نمود. این اقدام، با وجود توافقات اولیه، سبب سقوط کابل و تسلط طالبان بر کشور شد. حال، این سوال پیش می‌آید که؛ چطور می‌توان انتظار داشت همان سیاستمداری که زمینه‌ساز سقوط دولت قبلی بود، اکنون به بازسازی و بهبود وضعیت افغانستان کمک کند؟ از سوی دیگر، طالبان که اکنون کنترل کشور را در دست دارند، به جای تلاش برای ایجاد یک حکومت فraigیر و مشارکت همه اقوام، به دنبال جلب حمایت امریکا و بهبود روابط خارجی با واشنگتن هستند. این رویکرد نشان می‌دهد که طالبان هنوز درس‌های تاریخی از چهل سال جنگ و خونریزی در افغانستان را به درستی درک نکرده‌اند و به جای اعتماد به مردم خود، به دنبال تأمین منجزیت از قدرت‌های خارجی هستند. در واقع، هر دو جریان (طالبان و سیاسیون سابق دولت جمهوریت) به نوعی در دام نگاه وابسته به قدرت‌های خارجی گرفتار آمده‌اند. بن در حالی است که تجربه‌های مکرر نشان داده است که امریکا یا هر کشور خارجی دیگری، اهمواره براساس منافع استراتژیک و اقتصادی خود

## عوامل روزافزون مهاجرت از افغانستان

بر اساس آمار منتشر شده توسط کمیسیونی عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، تعداد آوارگان اجباری در جهان به رقمی بی‌سابقه رسیده است. این سازمان اعلام کرده که در سال جاری میلادی بیش از ۱۲۲ میلیون نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. براساس گزارش‌های اخیر کمیسیونی عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، افغانستان و سوریه همچنان در صدر کشورهای با بیشترین تعداد پناهجو در جهان قرار دارند. مهاجرت مردم افغانستان به‌ویژه در دوران طالبان به یک پدیده فraigیر تبدیل شده است که ناشی از ترکیبی از عوامل پیچیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. پس از تصرف دوباره افغانستان توسط طالبان در سال ۲۰۲۱، شمار زیادی از مردم به‌دنبال یافتن امنیت و فرصت‌های بهتر، کشور را ترک کرده‌اند. این بحران مهاجرت نه تنها بر زندگی افرادی که مجبور به ترک وطن شده‌اند تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای عمیقی برای افغانستان و جامعه جهانی نیز دارد. یکی از عوامل اصلی مهاجرت، ناامنی و بی ثباتی سیاسی است. با به قدرت رسیدن طالبان، بسیاری از مردم احساس کردنده که امنیت و حقوقشان تهدید شده است. سیاست‌های سختگیرانه طالبان، به‌ویژه در مورد حقوق زنان و اقلیت‌ها، موجب شده که گروه‌های مختلف به ویژه جوانان و تحصیلکرده‌ها به دنبال فرصت‌های جدید در خارج از کشور باشند. این شرایط به‌ویژه در مناطق شهری که به آزادی‌های بیشتری دست یافته بودند، مشهود است. علاوه بر ناامنی، بحران اقتصادی نیز به گسترش مهاجرت دامن زده است. پس از تصرف طالبان، بسیاری از کمک‌های بین‌المللی متوقف شد و وضعیت معیشتی مردم به شدت به چالش کشیده شده و بیکاری، فقر و کمبود مواد غذایی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. در چنین شرایطی، بسیاری از خانواده‌ها برای بهبود وضعیت اقتصادی و تأمین نیازهای اولیه زندگی، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. عوامل اجتماعی نیز در این بحران نقش دارند. بسیاری از خانواده‌ها به‌دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی، به خصوص در زمینه ازدواج‌های اجباری و محدودیت‌های اجتماعی، به دنبال فرار از کشور هستند. این فشارها به ویژه بر روی زنان و دختران جوان محسوس تر بوده که به دنبال آزادی‌های بیشتر و فرصت‌های تحصیلی هستند. پیامدهای بحران مهاجرت برای افغانستان قابل توجه و عمیق است. از یک سو، مهاجرت گسترده، نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده را از کشور خارج می‌کند و این موضوع می‌تواند به کاهش توانمندی‌های اقتصادی و علمی کشور منجر شود و از سوی دیگر، با افزایش تعداد مهاجران، فشار بر کشورهای میزبان نیز افزایش می‌یابد که می‌تواند به بروز تنشهای اجتماعی و سیاسی منجر شود. بحران مهاجرت در افغانستان تنها یک مسئله داخلی نیست، بلکه یک چالش جهانی است که نیاز به توجه و همکاری بین‌المللی دارد. برای کاهش این بحران، باید به بهبود شرایط امنیتی و اقتصادی در افغانستان توجه جدی شود و با فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی و کار در داخل کشور، می‌توان به کاهش موج مهاجرت و بهبود وضعیت جامعه کمک کرد.

## سوالی که مخاطبین اش سیاسیون دوره جمهوریت‌می‌باشد:

چرا در دوران قدرت خود نتوانستید در کنار هم به اتفاق و وحدت لاقل نظری دست یابید و ارتش قوی و مستقل از وابستگی‌های خارجی ایجاد کنید تا بتواند در برابر مخالفین مقاومت کند؟

چرا در زمان جمهوریت به جای تقویت وحدت ملی، به رقابت های مخرب قومی و جناحی دامن زدید و حالا از امریکا انتظار کمک دارید؟

چطور توقع دارید ترامپ به شما کمک کند، در حالی که در دوره قبلی ریاست جمهوری او توافقنامه‌ای را امضا کرد که منجر به سقوط دولت شما شد؟

چرا در دوران قدرت خود، برنامه‌ای منسجم برای جذب و پرورش نسل جوان و کادری از اقوام مختلف برای آینده دولت افغانستان نداشتید؟

آیا درخواست حمایت از امریکا نشانه‌ای از ناکامی شما در ایجاد یک اجماع ملی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی نیست؟





## نگاه طالبان و سیاسیون افغانستان به پیروزی ترامپ در انتخابات امریکا



روز گذشته دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا در مقابل رقیب دموکرات خود کاملا هریس، به پیروزی دست یافت. همانند سایر اتفاقات بحث برانگیز دیگر، پیروزی ترامپ هم با واکنش‌های گوناگون مقامات و سیاسیون افغانستان مواجه شد.

وزارت خارجه خارجه طالبان پس از موفقیت ترامپ، نسبت به «فصل جدید» در مناسبات کابل-واشنگتن ابراز امیدواری کرد و افزود که حکومت آینده این کشور «گام‌های واقع‌بینانه» برای تقویت مناسبات بردارد.

در اعلامیه وزارت خارجه طالبان که ناوقت روز گذشته (چهارشنبه، ۱۶ عقرب نشر شد، آمده است: «اداره آینده امریکا گام‌های واقع‌بینانه بردارد تا در مناسبات دو کشور پیشرفت ملموس ایجاد شود و دو کشور بتوانند در روشناهی تعامل متقابل فصل جدیدی در مناسبات خود باز کنند.»

در اعلامیه طالبان همچنان به توافقنامه دوچه اشاره شده که در دور پیشین ریاست جمهوری ترامپ میان ملا عبدالغنى برادر، نماینده طالبان و زلمی خلیلزاد، نماینده امریکا در قطر امضا شد؛ توافقنامه‌ای که برخی تحلیلگران و کارشناسان افغانستان آن را زمینه‌ساز سقوط تدریجی دولت پیشین افغانستان می‌دانند.

گذشته از مواضع طالبان، برخی مقامات پیشین جمهوریت در افغانستان هم نسبت به پیروزی ترامپ واکنش نشان داده و اظهار امیدواری کرده‌اند که رئیس جمهور جدید امریکا از روند مخالفت با طالبان حمایت کند.

نگاهی به مواضع مقامات طالبان و سیاسیون افغانستان نشان می‌دهد که هر دو جریان برداشت‌ها و احساسات خاص خود را نسبت به حضور مجدد پدیده‌ای به نام ترامپ در کاخ سفید به گونه مشابه ابراز می‌کنند. ظاهرا هر دو خوشحال‌اند و هر دو جریان هم به حال خوششان در دوران زمامت ترامپ تا حدودی دل بسته‌اند. گمانه زنی‌ها بر این است که در این دوره طالبان محظاطانه در پی حفظ و یا گسترش روابط با امریکا و مخالفان طالبان هم که عمدتاً مسئولان بلندپایه نظام پیشین و سران قومی و مذهبی‌اند با جلب احتمالی نگاه او، ظاهرا حساب دیگری پیش خود باز کرده‌اند. در این میان، معلوم اما نیست که اصل حساب در اتاق فکر کاخ سفید در زمان ریاست جمهوری ترامپ چگونه رقم خواهد خورد. آیا او مطابق امیال طالبان و سیاسیون در تبعید افغانستان عمل می‌کند یا ساز خود می‌نوازد و بحث افغانستان برایش جذبیت چندان نخواهد داشت. اهمیت این موضوع از آن جهت بیشتر



شما میتوانید اخبار، تصاویر، گزارشات خود را از هر ولایات، شهر و یا ولسوالی که در آن زندگی می‌کنید را برای ما ارسال نمایید تا پس از بررسی و تایید در سایت و شبکه‌های اجتماعی خبرگزاری خبرگزاری معمار منتشر شود.

WhatsApp / +93 78 450 0593

اخبار و گزارش‌های ارسالی را در اینستاگرام، تلگرام، توییتر و فسیبوک مادربال کنید.

